

جهان در آستانه بعثت حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در انحطاط و بحران شگفت انگیزی قرار داشت. جهالت، غارتگری، ظلم و ستم، تضييع حقوق ضعيفان و محرومان، فساد و بی بند و باری، تبعيض و ناعدالتی، نگرانی و دلهره، دوری از اخلاق و انسانیت، تمام جوامع بشری را در آن روزگار فرا گرفته بود.

در این میان منطقه جزیره العرب و به ویژه شهر مکه از منظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پایین ترین و بدترین وضع را تحمل می کرد. خضوع اعراب جاهل در مقابل چوبهای خشکی که به صورت بت درست شده بود و اهالی مکه در مقابل آن

# اهداف بعثت

عبدالکریم تبریزی

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ  
وَأٰلِهِ وَسَلَّمَ

اجسام بی جان قربانیها کرده و استمداد می طلبیدند، هر انسان فهمیده و عاقلی را به تعجب و تأسف وا می داشت. زنان نه تنها از حقوق اساسی خود محروم بودند، بلکه همانند کالای بی جان خرید و فروش می شدند و....

خداوند متعال در آیات و حیانی خویش به برخی از ناهنجاریها و آداب غیر انسانی و جاهلانۀ آن روز اشاره کرده و می فرماید: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِ أَنْ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِسْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ «بگو: بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است [برایتان] بخوانم: اینکه

چیزی را شریک خدا قرا ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید. فرزندانان را از ترس فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می دهیم، و به کارهای زشت نزدیک نشوید چه آشکار و چه پنهان. و انسانی را که خداوند محترم شمرده به قتل نرسانید مگر به حق [و از روی قانون الهی]. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید.»

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالنَّاقِ هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ، لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ «و به مال یتیم جز به بهترین صورت [و برای خدمت به او] نزدیک نشوید تا به حد رشد خود برسد، و حق پیمانانه

و وزن را به عدل و دادگری رعایت کنید. ما هیچ کس را به بیش از توانائی و قدرتش وادار نمی‌کنیم. هنگامی که [در مقام داوری یا شهادت] سخنی می‌گویند، عدالت را مد نظر قرار دهید حتی اگر در مورد نزدیکان شما باشد، و به پیمانهای خداوند وفادار باشید. اینها مواردی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا شاید پند گیرید.»

خداوند متعال در این آیات از رسمهای باطل و غیر اخلاقی دوران جاهلیت خبر داده و به موضوعات غیر انسانی رایج، از جمله شرک و بت پرستی، آزار پدر و مادر، کشتن فرزندان، ارتکاب اعمال زشت و فساد انگیز، کشتن افراد بی‌گناه، تجاوز به اموال یتیمان، بی‌عدالتی در توزیع اموال و امکانات عمومی، پایمال کردن

حقوق دیگران، عهد شکنی و نادیده انگاشتن پیمانها و قوانین اجتماعی می‌پردازد و در عین حال راهکارها و دستورات سازنده‌ای در این زمینه به مسلمانان ارائه می‌کند.

ناگفته پیداست که برخی از علل و انگیزه‌های بعثت پیامبران الهی نیز در این آیات مطرح شده است که عدالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی از جمله آنهاست. در روایتی از اوضاع نابسامان عربستان در آستانه بعثت نبوی - صلی الله علیه و آله - آمده است: روزی قیس بن عاصم به نزد حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - آمده و عرضه داشته: یا رسول الله! من در ایام جاهلیت هشت دختر خود را زنده به گور کرده‌ام، حالا چه کنم؟ پیامبر -

صلی الله علیه و آله - فرمود: در مقابل هر دختر یک برده آزاد کن!<sup>۱</sup> در روایت دیگری آمده است: هنگامی که قیس یکی از موارد زنده به گور کردن دخترانش را در حضور رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - شرح داد، رسول مهربان الهی در حالی که از شدت تأثر حلقه های اشک بر گونه های مبارکش می لغزید، از سنگ دلی و قساوت آن مرد جاهل تعجب کرده و به یارانش فرمود: «إِنَّ هَذِهِ لَقَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ؛ ایسن [عمل] سنگدلی است و هر کس رحم نداشته باشد، مشمول رحمت [الهی] نخواهد بود».

بنابراین جهان در آستانه بعثت، غرق در انواع خرافات، افکار و اندیشه های جاهلانه بود و شاید

در آن روزگاران در هیچ جای عالم خرافه پرستی و بی بند و باری و رواج مفاسد اجتماعی مثل منطقه جزیره العرب نبود. مردم آن عصر بدون آنکه خود متوجه باشند، نیاز شدیدی به امور معنوی، اخلاقی و انسانی داشتند و در آتش ناعدالتی، نابرابری و تضییع حقوق انسانی می سوختند. در این فرصت برخی از علل و عوامل بعثت انبیاء را - که در رأس آن بعثت رسول گرامی اسلام قرار دارد - مرور کرده و به موارد اهم آن اشاره می کنیم:

#### ۱. انقلاب ارزشها

بعد از بعثت رسول گرامی اسلام، اصول و ارزشهای جاری در جامعه که علیه مصالح دنیا و آخرت مردم بود، به ارزشهای انسانی و الهی تبدیل شد. خرافه پرستی به حقیقت یابی، جنگ و خونریزی و ناعدالتی به قسط و عدل و مساوات بدل گردید و

۱. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۲۳۳.

انسانهای در ظاهر پایین درجه، به افرادی مورد اعتماد و دارای منزلت اجتماعی و الائی تبدیل شدند. تمام قوانین و ملاکهای ظاهری و مادی جای خود را به معیارهای ارزشمند و متعالی داد.

آری بعثت پیامبر - صلی الله علیه و آله - ارزشهای ضد انسانی را دگرگون کرد و تمام رسمهای ایام جاهلیت، به قوانین عادلانه اسلامی تبدیل شدند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بیشترین تلاش خود را در تحول افکار عمومی

متمرکز کرده و برای از میان بردن باورهای خرافاتی و ناپسند، از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد. آن رهبر فرزانه اسلامی حتی به کارگزاران خویش تأکید می نمود که در تبدیل و تغییر روشهای غلط و رسوم جاهلانه نهایت تلاش خود را به عمل آورند. هنگامی که معاذ بن جبل را به سوی یمن می -

فرستاد به او فرمود: «ای معاذ! آثار جاهلیت و رسوم باطل را بمیران و سستهای متعالی اسلامی را در میان مردم ترویج کن!».

آن گرامی، حتی در آخرین فرازهای پیام حج خود، به انقلاب ارزشها و حرکت به سوی زیباییها و کمالات تأکید ورزید و فرمود: «أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضِعٌ؛ بدانید تمام باورها و رسمهای ایام جاهلیت را زیر پای خود نهاده و باطل اعلام می - کنم.»

امیر مؤمنان علی - علیه السلام - در توضیح فلسفه بعثت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بر این نکته تأکید کرده و آن را به عنوان انقلاب ارزشها مطرح می - کند و می فرماید: «أَلَا وَإِنْ بَلَّيْتُمْ قَدَمِي عَادَاتِ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ -

۱. سیره ابن هشام، ابو محمد عبد الملك بن هشام حمیری، دار القلم، بیروت، ج ۴، ص ۲۵۰.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَالَّذِي بَعَثَهُ  
 بِالْحَقِّ لَتُبْلَىٰ لَهُنَّ لَبْلَبَةٌ وَلَتُعْرَبَلَنَّ عَرَبَلَةٌ  
 وَلَتُسَاطَنَ سَوَاطِنُ الْقِدْرِ حَتَّىٰ يَعُودَ  
 أَسْفَلَكُمْ أَغْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ؛  
 آگاه باشید تیره روزیها و فتنه‌های  
 شما همانند عصر قبل از بعثت  
 پیامبر- صلی الله علیه و آله - بار  
 دیگر روی آورده است. سوگند به  
 خدائی که پیامبر- صلی الله علیه و  
 آله - را به حق مبعوث کرد،  
 سخت آزمایش خواهید شد و  
 چون دانه‌هایی که در غربال ریزند  
 یا غذائی که دردیگ گذارند، زیر و  
 رو خواهید شد تا اینکه پائین شما  
 به بالا، و بالای شما به پائین  
 بیاید.<sup>۱</sup> یعنی دقیقاً همانند عصر  
 بعثت دگرگون و منقلب خواهید  
 شد، و بار دیگر انقلاب ارزشها رخ  
 خواهد نمود.

امام - علیه السلام - به  
 جایگزین شدن افراد طبقه پائین به  
 جای بالا نشینها و تبدیل شدن  
 ارزشهای ظاهری مادی به  
 ارزشهای انقلابی و معنوی اشاره  
 کرده و می‌فرماید، چون به  
 جاهلیت قبل از بعثت پسرقت  
 داشته‌اید، دقیقاً باید همان حادثه  
 رخ نماید و حق به محور خود  
 برگردد.

## ۲. تزکیه و پرورش روح

از مهم‌ترین علل بعثت انبیاء،  
 تهذیب نفوس و تربیت انسانهای  
 مستعد است. پیامبران الهی کوشش  
 می‌کنند نیروهای درونی انسانها را  
 از قوه به فعلیت رسانده و برای  
 رسیدن به قله سعادت و کمال،  
 آنان را همراهی و یاری نمایند.  
 آنان برای ارتباط افراد با مبدأ  
 هستی زمینه سازی کرده و  
 مقدمات تعالی آنان را فراهم می-  
 آورند.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر ائمه،  
 قم، ۱۳۷۹، ش، خطبه ۱۶.

قرآن کریم در سوره آل عمران با اشاره به این نکته می‌فرماید:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۱</sup>

«خداوند متعال بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، گرچه قبل از بعثت در گمراهی آشکاری بودند».

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نیز با تلاوت آیات کلام وحی، روح و جسم آنان را صیقل داده و با زدودن زنگارهای جهل و خرافات و خودپرستی، برای پذیرش حق و گام نهادن در راه کمال یاری‌شان می‌نمود.

۳. رساندن به مقام عبودیت  
طبق آموزه‌های قرآنی، هدف از آفرینش انسان چیزی جز پرستش خدای یگانه نیست و تمام نعمتهای الهی و اشیائی که در این عالم آفریده شده و در اختیار انسان قرار گرفته، همه برای طی مسیر عبودیت است. عبودیت کامل آن است که انسان جز به آفریدگار مطلق جهان و کمال مطلق نیندیشد و همه افکار و اعمال خود را به این امر معطوف دارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۲</sup> «جن و انس را نیافریدم جز اینکه مرا عبادت کنند».

یکی دیگر از علل بعثت انبیاء، دستگیری افراد بشر در راه رسیدن به مقام عبودیت است. رهبران الهی با تلاشها و آموزه‌های خود

انسانها را به کانال عبودیت هدایت کرده و از این رهگذر آنان را به قرب الهی می‌رسانند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - از آغازین لحظات بعثت شعار معروف خود را در این زمینه پیوسته تکرار می‌کرد که: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا»<sup>۱</sup> و به مخاطبان خود این پیام را می‌رساند که رستگاری تنها و تنها در گرو بندگی خدای یگانه و نفی خدایان دیگر و بت پرستان است.

#### ۴. تحکیم وحدت انسانها

ریسمان محکم نبوت تنها وسیله‌ای است که انسانها را در زیر لوای وحدت و برادری فراهم می‌آورد؛ انسانهایی که از تفرقه و تشتت و نزاع و اختلافها به تنگ آمده و به دنبال راهکاری مورد

اعتماد برای حل معضلات زندگی خود می‌گردند.

آتش خانمان سوز اختلاف، نیروهای عظیم بشری و سرمایه‌های فراوان آنان را به باد داده و زیباترین محیطهای زندگی را به جهنمی سوزان بدل می‌کند. اگر انسانها به سخنان پیام‌آوران وحی توجه کرده و زیر عَلم توحید گرد آیند، مطمئناً از تفرقه و تشتت در امان بوده و در سایه کلمه توحید به توحید کلمه نیز دست خواهند یافت. در سوره بقره آمده است: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾<sup>۲</sup>؛ «مردم [در آغاز امت واحدی بودند] سپس بنابر عللی در میان آنان اختلاف پدید آمد[ند]، پس خداوند نیز

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، نشر

الوفا، بیروت، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۲. بقره / ۲۱۳.



کریم نیز به این نکته اشاره کرده و فرمود: «رَبِّتَعُوا إِلَهَ الْوَسِيلَةِ»؛ «برای تقرب به درگاه الهی وسیله - ای بجوید.»

انجام دستورات رسول خدا - صلی الله علیه و آله - می تواند بهترین وسیله برای ارتباط با خداوند متعال باشد.

امام رضا - علیه السلام - در گفتاری حکیمانه می فرماید: «از آنجایی که در آفرینش مردمان و نیروهای نهفته در درون آنان، آنچه که مصالحشان را کامل کند وجود نداشت، و آفریدگار جهان، برتر از آن بود که [به چشم ظاهر] دیده شود و ضعف و ناتوانی آنان در ادراک ظاهری او بود، چاره ای جز این نبود که فرستاده ای معصوم میان او و آدمیان واسطه فیض باشد و امر و نهی الهی را به ایشان

پیامبرانی را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انداز کنند و به همراه آنان کتاب [آسمانی] فرستاد تا در میان مردم در مورد آنچه در آن اختلاف کرده بودند داوری کند.»

طبق این آیه یکی از اهداف مهم بعثت انبیاء، پایان بخشیدن به اختلافات مردم است که از روی جهل و غفلت و ناآگاهی و پیروی هوای نفس و برتری جویی صورت می گیرد.

#### ۵. واسطه فیض الهی

برای آدمیان خاکی که هنوز گام در مرحله ای بالاتر نگذاشته اند، ارتباط با آفریدگار هستی که در متها درجه اقتدار و کمال است امری سهل و آسان نیست. برای رسیدن به آن مقام بی نهایت و اوج گرفتن در آسمان عرفان و معنویت، نیاز به واسطه فیض و وسائل نیرومندتری است. قرآن



برساند؛ السالم يكن في خلقهم  
 وقواهم ما يكملوا إحصائهم، وكان  
 الصانع متعالياً عن أن يرى وكان  
 ضعيفهم وعجزهم عن إدراكهم ظاهراً لم  
 يكن يد من رسول بيته و بينهم معصوم  
 يؤدى إليهم أمرة ونهيهم» .

۶. احیای پیمان فراموش شده  
 پیامبران الهی بر خود لازم می-  
 دانند تا انسانها را به پیمان فطری  
 که فراموش شان شده است یادآور  
 شوند، همان میثاق دیرین که در  
 میان تمام موجودات فقط انسان آن  
 را تقبل و تعهد کرده است، اما بر  
 اثر مرور زمان و وسوسه های  
 شیطان آن را به بونه فراموشی  
 سپرده است.

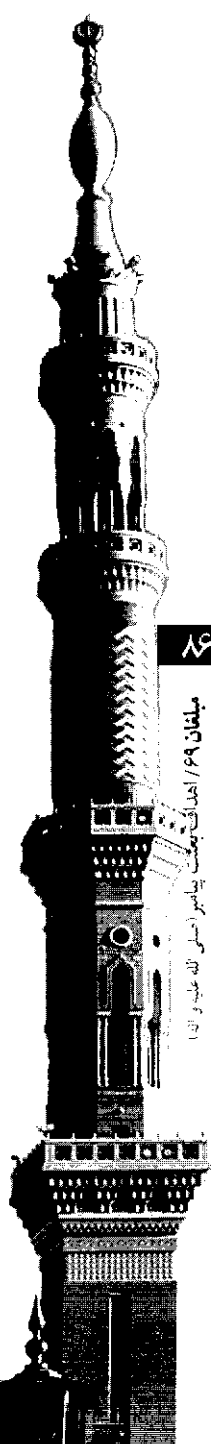
امیر مؤمنان علی - علیه السلام -  
 می فرماید: «واصطفى سبحانه من  
 رزقه آتیه أخذ على السوحي مشاقهم  
 «علی تبلیغ الرساله امانتهم لتا بدل

أكثر خاتم عهد الله إليهم فحيدوا حيد  
 والخسما الأنداد مغنه واجتسالمهم  
 الشياطين عن معرفته واقطع عليهم حبل  
 عبادته فبعث فيهم رسلة وواتى السبهه  
 آتياه تستنادوهم ميثاق فطريه  
 ولذكروهم فتنسي نعتهم» [خداوند

سبحان] از میان فرزندان آدم،  
 پیامبرانی را برگزید و از آنان بر  
 وحی پیمان گرفت و بر تبلیغ  
 رسالت امانت آنان را، آنگاه که  
 اکثر مردم عهد و پیمان الهی را  
 تبدیل کرده و حق خدا را  
 نشناختند و در مقابل خداوند  
 خدایان دروغین و بتهای بی ارزش  
 را پرستیدند و شیاطین آنان را از  
 معرفت خدا باز داشته و از عبادت  
 او جسدا کردند. [در آن حال]  
 خداوند پی در پی پیامبرانی را  
 مبعوث نمود تا آنان را بر پیمان  
 فطرت خویش وادار کنند و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۱. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۰.



نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند.»

پیامبران الهی در کنار معارف و برنامه‌های حیاتبخش خود پیوسته به آدمیان می‌آموزند که در مورد اصول دین و باورهای مهم اعتقادی به فطرت و خرد خود رجوع کنند. قرآن کریم انبیاء الهی را به عنوان «مذکر» معرفی می‌کند.

آنان تلاش می‌کنند انسانها را به پیمان الهی و وفای به آن سوق دهند تا به ندای عقل و فطرت خویش پاسخ مثبت داده باشند. قرآن کریم نیز در مورد پیمان فراموش شده الهی به فرزندان آدم می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ «ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را نپرستید، همانا که او دشمن آشکار شماست.»

### ۷. ترویج فضائل اخلاقی

ترویج فضائل اخلاقی و صفات متعالی انسانی، از دیگر علل وانگیزه‌های بعثت انبیاء الهی است. اگر مروری اجمالی به آموزه‌های وحیانی پیامبر - صلی الله علیه و آله - داشته باشیم متوجه خواهیم شد که گفتارها و رفتارهای آن گرامی مملو از سفارشهای اخلاقی و تربیتی است.

اساساً هر گونه خوبی، زیبایی و کمالی که زینده و شایسته انسانها است، در تعالیم انبیاء الهی به روشنی دیده می‌شود. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ من برای تکمیل و توسعه زیباییهای اخلاقی مبعوث شده‌ام. رسول خدا خود دارای کامل‌ترین صفات اخلاقی بود و عادات پسندیده و آداب

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل

البيت، ۱۴۰۸، قم، ج ۱۱، ص ۱۸۷.



برجسته انسانی در وجود آن  
گرامی موج می‌زد.

## ۸. ایجاد و توسعه عدالت اجتماعی

انسانها فطرتاً طالب عدالتند و  
سالم‌ترین جوامع، آنهایی است که  
عدالت در تمام ابعاد خود در میان  
آن جوامع حاکم گردد.

قرآن کریم در آیات متعددی از  
عدالت خواهی پیامبر اکرم - صلی  
الله علیه و آله - سخن گفته و آن  
را یکی از اهداف بعثت می‌شمارد.

در سوره اعراف از اهتمام ویژه آن  
گرامی به اجرای عدالت خبر داده  
و می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي  
بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup> بگو: پروردگارم مرا به  
عدالت فرمان داده است.

عدالت طلبی در تمام زوایای  
زندگی پیامبر - صلی الله علیه و  
آله - جلوه‌گر بود و گستره آن،  
گفتار، رفتار، روابط عمومی،

معاملات، حتی محیط خانواده و  
دوستان و نزدیکانش را نیز شامل  
می‌شد. امام صادق - علیه السلام -  
فرموده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُقَسِّمُ  
لِعِظَائِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا  
وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ؛ رسول خدا -  
صلی الله علیه و آله - نگاه خود را  
در میان یارانش به طور مساوی  
تقسیم می‌کرد، گاهی به این و  
گاهی به آن دیگری به طور  
مساوی نگاه می‌کرد.»

آن گرامی به مهم‌ترین فلسفه  
بعثت انبیاء که ایجاد قسط و عدل  
است به طور کامل معنی و مفهوم  
می‌بخشید که خداوند فرمود: «لَقَدْ  
أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ  
بِالْقِسْطِ»<sup>۲</sup> «ما رسولان خود را با  
دلایل روشن فرستادیم و با آنها  
کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم  
به عدالت قیام کنند.»

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۰.

۳. حدید / ۲۵.

۱. اعراف / ۲۹.